

+

۲
سبز

جزوه امنیتی و پلیسی

۵۲۵۱۵

1

جزوه امتحان ویاپی

۱۵

۱۰/۱/۱۰

إِنَّ أَخَ الْقَرَبِ الْمَارِقُ

« انسانی دیکار جو همیشه در پیار است »

برای آنکه این چند وقت که در گذشت از این تا آنکه شرح هم آمده است
 تجزیه این ابزار بسیار هدف از این کار است که آن است را با این اسم در
 عمل ما مستحق نگوییم از این پس آن را در نظر بگیریم و با این اسم آن را در کار
 خودمان از گنوا و تابع دیگری کنیم و در هر یک از اینها در اول استعمال تجزیه
 کرده باشیم. اما این که در گذشت در این است که آن را در این
 است و با این از تجزیه همین در زمینه تعاقب بارنده های بیسی که است
 آنچه در این است که در همان افر است همان است که در این است و با این
 که از این های بیسی در وقت در هر دو تا این بار این و ... می دانستیم
 تعدادی است که این را بطور صحیح عمل نموده به پیشرفت کار خود
 هم چنین حفظ کردن است که در این است که از این است
 مانند در شرایط فعلی است با این چند نکته توجه داشت:

- اول = آنچه از تجزیه در زمان (برادران و دیگران) آگاه می کنیم
- دوم = این است که در این با هم نبینیم
- سوم = رومی است که در این با این رومی و در آن است است آمده های
- چهارم = آنچه که در این بعضی از این رومی است که در این است
- پنجم = این است که در این است که در این است که در این است
- ششم = آنچه که در این است که در این است که در این است
- هفتم = آنچه که در این است که در این است که در این است
- هشتم = آنچه که در این است که در این است که در این است
- نهم = آنچه که در این است که در این است که در این است
- دهم = آنچه که در این است که در این است که در این است

برای آنکه این چند وقت که در گذشت از این تا آنکه شرح هم آمده است
 تجزیه این ابزار بسیار هدف از این کار است که آن است را با این اسم در
 عمل ما مستحق نگوییم از این پس آن را در نظر بگیریم و با این اسم آن را در کار
 خودمان از گنوا و تابع دیگری کنیم و در هر یک از اینها در اول استعمال تجزیه
 کرده باشیم. اما این که در گذشت در این است که آن را در این
 است و با این از تجزیه همین در زمینه تعاقب بارنده های بیسی که است
 آنچه در این است که در همان افر است همان است که در این است و با این
 که از این های بیسی در وقت در هر دو تا این بار این و ... می دانستیم
 تعدادی است که این را بطور صحیح عمل نموده به پیشرفت کار خود
 هم چنین حفظ کردن است که در این است که از این است
 مانند در شرایط فعلی است با این چند نکته توجه داشت:

- اول = آنچه از تجزیه در زمان (برادران و دیگران) آگاه می کنیم
- دوم = این است که در این با هم نبینیم
- سوم = رومی است که در این با این رومی و در آن است است آمده های
- چهارم = آنچه که در این بعضی از این رومی است که در این است
- پنجم = این است که در این است که در این است که در این است
- ششم = آنچه که در این است که در این است که در این است
- هفتم = آنچه که در این است که در این است که در این است
- هشتم = آنچه که در این است که در این است که در این است
- نهم = آنچه که در این است که در این است که در این است
- دهم = آنچه که در این است که در این است که در این است

بین عبت برادران با اعیان معتبری دست نموده و در کنار برادران
یا فاشی معتبری بنامیم . (فحص صا از طرف سلسله کنترل و معاشرتی ما
لازم انجام شود) هم همین ترتیب خویش را (در صورت
در بصورت نظارت و نکات کوچک) نزدیک آوردن مانده

نور

خیز مطالب

①

خیزد بی تن که جوان را سرور که کار لوسی (لیدر و سوس) کرده است مرتبه آنرا بدین است
کار کردن اقتدار و تماس آن با توده های زحمتکش امری است که برای ما واکم و
بین شخص بیچاره خود نه قهری بود و چند ماه قبل که در پی از برادران برای ما
تا حد تمام می رفته بود سر کارتر که شخص با تجربه و وادعی بوده است از طرف رفتار
و کار ما و عبت ها (واقعاً دستهای) آنان گداز شده و لوسی و سایر
هسته یا جریب . بدینجهت امر به کار لوسی یا کارتری میهم کسی نسیم که
اولاً وضع ظاهری دستب ما به کار خودمان بخورد نظیر سایر کارگران مانا ؛
زکف میله کار فرد مثل خره کار نزه عبت و رفتار دیگران آنست بزم
فحص صا در عهد خود عبت مهم است چون ما با فرض استظهام و شتر جلاست
روشنکوی عادت کرده ایم که شخص کننده نظارت و کارهای سیاسی و ... را پاره
س و اب بعضی مراجع برای بدست آوردن مطالب معتبری در مورد شخص دستگیر شده
با شخص به پرسش و باز جریب خانوار . اطرافین . صاحب خانه ... سرور
که کمین است در این مورد نشود . های نسیم یا غیر نسیم مثل سنگ بزرگ کنار
بود . شفا سوخ زار برادران نسیم داعمدیک خانوار آنرا
دستگیر و بعد باز جریب واقع شده و می سروده که اعلام است بیشتر از این طرف
بدست آورده یا کسی از افرادی که اخیراً در حدان دستگیر شد (بناب آگزی)
موتی که ادرا گرفته بودند چند نفری با خانه بازاری به رب منزلی رفته بودند
مادومت او چون سگینه و به هرس نسیمینه ما برای آزادی سرور که نوی

آرشیو اسناد سازمان بیکار

۱- معی که ایم واقفانه انجام داده ایم در هر یک سیدیم اولیاد است آزارش
 کینه بکوبند نه شمشیر این . حاله فراسیم ش را شن را می بگویند
 بیایم با چو کت خورفت وانه داشته و چه کارهای کرده . چه لب نه داره
 اینها که نه به نازار ما همین جا را سیدیم و با ش می کنیم او را آزار
 نخواهد کرد در غیر اینصورت سارا از زبان نماندند . از اینجا
 خیر استانه از دستهای دلازم ما من هرگز استانه کرده با اطلاعات که دست
 می آوردند به بعضی بعضی بنده که با لاف نه زاده است و نه آزار در می نمایند
 ۲- برای اخراجی و سید را یک نفره که ما می بیند سر که هم که نران در
 خروج آنها روشن باشد یا اگر اینها سر در باز بودی ساکت و آرامش بودی
 پیش نیاید چندی به زور استیجابی در بازار رستیده و با چو می خانی
 که روی در فل و در هر وقت چو می او بدلی آوردند که معلوم شده که سارا زبانی از
 در آمزش ما فرج کرده است و باید آنگه به چو همین او را باز دست گرفته اند
 ۳- چون اطلاع رسیده تناری تقاری معاملات کلی در نقاط مستعد تسلط است
 حایر نشسته و در تنوع مردم سر زده شما در جود سیکه و بیلبان نشی . اینک استای
 نقلی سازش کرده خنده را بازی اولی می کنند . این وضعی در میان نیامی دیده
 شده و وقت ما صحنه است از این چو کینه بکوبند استای شده

۵- در سینه از اطلاع در یک نقد چند بار در آرزو کرده باشند یا در این
 در آن علی زیاد وجود راهی معدود و فرج نقد - رادیک ما چند روز در
 می کینه شده که در دهه گذشته دیده شده که تعداد زیادی از این در سینه نظام
 آید گمان گسترده بودند
 ۶- در اثر او چو می استواب تصادفی در روزی کار ما می بیند سید و سید
 اعتماد زیاد تر شده است در سینه حکایت ارمانهای وابسته به ساکت غرضه
 کینه گسترده است و بطوریکه استیک کینه در هر کاری که صلاح میدانند
 در خدمت می کند حرفی سارا را نمانی بیایم و هم کنترل می کند .
 ۷- کینه دوبار افرادی که در ایامات خودشان را می بیند سارا می نماند
 بودند از طرف کینه باز می شده اند که صحت و روی آن بوسه زد می
 خندانند ما این سارا با افرادی که می بیند هسته اعتماد دلنه
 ۷- چون ساکت به بیارتنوا و کسب حاکم این که هر طاعت و آزار
 معوقه نموده که هر مصیبتی نه روی از اسماء با جود است که هم در دولت
 سن تر خنده از خورشید در اثر انبار و ... است
 ۸- در خدمت ما سیدان چند نفر و کسب در نظر گرفت که در راه آزادی
 با ما راهی کرد و چه به سارا می نماندند

۸ - چند نفر از افراد انجمن هندوستان در شهر آمله جمع شدند و در آنجا
 بودند. یکان لندی با وجود پرسش جلدی تر آنجا شرف میداد و
 پس آنجا جودت میدادند این آدم را بدیدند که است
 و از آنجا که گشتی ساواک برده اند چند پرسش کردند و پس از آن
 که آنجا را سوار گشته تا بجهل برسانند که آنجا استماع نموده بار تا گشته
 بودند

۹ - تا به تیره است که برای دوری از دام پلیس تیره است در شهرهای
 مسافر دار هندوستان تا رسیدن شکت درم در هندوستان که از
 تا گسی استخوانه سنگی هواسان کاملاً جمع یافته که تا گسی و دانی
 تا گسی (چون ساواک از دور گسی تا گسی برای کارهای خود استفاده
 می کنند)

۱۰ - در شهری و شهرهای که ظاهر است ۴ عضو بود است در
 چون که در هندوستان گسی از اعضاء و نام شمار داشتند و بی درجه
 احتساب را نگاه داشته بودند. در سوله در هندوستان را با همه در دست
 چند تیره و سلفیه (دانی حال هندوستان در هندوستان گسی از بار گسی
 در هندوستان او را در گسی است به آمدند که بار گسی
 هر دو با افراد گروه برده است در بار گسی که عمل می آید

۵

چند روزه ۷ نفر در شهر سیدیه که گسی از آنجا گسی در هندوستان برآورد
 و پس از آن در هندوستان از اعضاء و نام دانی الاسلام بوده پس در دست
 دانی الاسلام تا رسیدن گسی زده اند پس از ۷ ماه گسی در هندوستان
 در هندوستان در هندوستان برآورد و پس در هندوستان از گسی در هندوستان
 و برآورد دانی الاسلام را در هندوستان گسی که برآورد را در هندوستان و گسی
 را در هندوستان برآورد اند

تجربیات امنیتی

تعقیب

۱ - در اوایل آبان ماه ۵۲ حدود ۲۵ نفر از افراد در سطح غرب هندوستان
 شاهر و نزدیک ۲۴ هزار نفری بطرف هندوستان برآورد و گسی در هندوستان
 در هندوستان برآورد در هندوستان استخوانه گسی در هندوستان و
 آنجا آنجا بالابد و از طرز رفتار آنجا پیدا کرده ساواک هستند از هندوستان
 در هندوستان گسی که گسی در هندوستان و با گسی در هندوستان و در هندوستان
 گسی در هندوستان که گسی در هندوستان و با گسی در هندوستان و در هندوستان
 که در هندوستان گسی در هندوستان بسیار بود از آنجا گسی در هندوستان
 قصد وارد هندوستان گسی در هندوستان و در هندوستان گسی در هندوستان گسی

نعمت ما چه است با تکیه از نصف در تمام کی تکیه نرم علمت که بر این ماست
 پیاده کند سواد تکیه بر دم (معتاد تکیه میان من آید و انجاب کوزانی بود
 که از آنجا تکیه میان حسن آید و خوب نبود و اگر سری دیگر داشتیم
 بدنی عقل تکیه کند خیال معاند و کجی بود که تکیه دوباره بر سر بود که
 تسلط و زورش و سادگی در رسیدیم تعجب میروم با من که در این سینه
 و به خیال و زورش میزنند تکیه ایستاد در من استاید که در تکیه بیاید
 ریشی با سرعت زینت سر تکیه آید زیر چشمی نگاه کردم دیدم که خودش
 است و بی دانش میزند خود را برای بر خوردن آماده کرد (رقی در
 در حال دوست آماده بواجی کند استعد و مبارک در جیب) موقتیه راه
 باز مقلد و تکیه راه اعتدال تکیه بر سرعت خود را زیاد کرده و جرات تکیه
 رسیده و با سرعت تکیه بر دست خود را راه دار و همی بر نگاه گیرند و فرجه
 معلومه این عمل تکیه میان من آید اراه پیدا کرد من تکیه نعمت که
 با در ابتدای خیال سپید که در حین آن که همین کریمه زیاده
 دارد (پیاره کند تا آخر بر خوردن که برانم بدان کریمه هزار
 کنم و می نمایم که چه از دست من منصرف شده و راه خود را از
 گینه آدم دادند

در راه
 آرشور اسناد سبازمان بیکار
 ① خیال من در این کمال بی چرم نبود
 شایع

- ④ در دست من تکیه بپایه شکوف که من سوزان حاصل از سردی آن مملوک
- ⑤ بیست و نه آنجا با فکده های شرق خیال تکیه بر میتم
- ⑥ حین انتاب سیر با تکیه استیاده بود در بیست طرف خوب نرم
 (تلفظ کینه که در دست در تکیه انانیت که می جای دست و کمال
 بیشتر در اختیار قرار گرفت

سوال - چرا امروزان بیست و نه در فرود آمدن از نه ۴
 در کینه من موقتیه در دهه اول جیب من با اخصی دار و دست
 خود ۴ چه کار حاجی نظیر سینه که سبک انجام داد ۴ و با این انجام داد
 کتبی که با این در خط است به آن مملوک میست؟

⑦ (این نمونه شکوف با تکیه در من با نه ای می آورده و به با توجه به تکیه که از آن
 گرفته شده سوزان را از بگری از خطرات احتمالی میزدی دهد) ۴
 با برده تکیه را تکیه ستم مدد و مدد موقتیه می بود و جیب بر کم از کم زود
 به من قرار بود امکان نماید و برادر را هشتم از طرف دیگر وارد کرد
 فدا هم در حد جای او این باره این سال با این بود که سبک قرار بود
 تکیه بر برادر نیاید در اتیان به یک میجی عمومی نظیر برادر آید
 سه پاره دستیه بین وضع لذت در تکیه از طرف خیال این تکیه
 مانده گیرنده در این دست یک نفر از تکیه سر بر می کرد شده بود
 تمام کردن تکیه برادر است طرف او بر رسم داد و نمود کرد

که بکنی و دیگری ملاک در حالت از او است را سوال کردی که در آن
 بعد از چند لحظه رفتی میدانند و با حالت دو سخن رسید با هم با ما
 چند دقیقه گذشته بود که من کردم و در وقت سر ساعت در آن وقت
 بلند و با او سخن گفتی او با من سخن بود با من سخن در این حاشیه
 که دنبال ماست در وقت که چه که در گذر محلا از آنجا رفت و از آن محل از
 آنجا میفرستد او دنبال ما نیامد و او خود بود که پلانک در آنجا
 نگاه کشید و دیگر دید ما ایستاده و او را نگاه کشیدیم به طرف بالا رفت
 و ما بر همین سبب با این وضع و بعد از هم دو پنج چون من کردم که خط
 جدی سبب و نیز است بقرار رسیدیم به طرف بالا برویم و چه بود که
 با ما چه در حال بیاید بلند شد و داد که دست بالا میماند و دیگر که تری
 و یک شب ساکن و بعد در آن وقت که در آنجا لازم را نهادم و او هم در آن
 و سبب بالا برویم و بعد از هم که در آن وضع فیما بین که سبب به حالت دو در
 که چه حالت آن طرف بود که در آنرا تقصیر کرده در وقت عمل سبب نیامد
 نشستم و پس از آن عمل در وقت

تاریخ

① در این نسخه من زیاد قرار گذاشته بودم و چون وقت مراد سبب
 افتاد کرده بودم و بار گذر و انفراد آنجا بر فدی ندانم آنرا
 من میگویم (مسیح زود) چه با این برادر است و داد که چهار

عوض کنیم و در نظر داشتیم که در حق کسی البته معلوم که سبب مردم تصدیق چهار
 سبب بود یعنی سبب بود و هر دو را سه چیز ماضی بیشتر که آنجا
 قرار داشت و همه هم من نامناسب بود هم توبه بود چه سبب اولی
 و از در وقت نبود البته سبب هم در این است که چون در همان نسخه
 قبلی بود طبقاً رفت و آمد حاجی من از تبریز و ایلیان هانی که برادر سبب
 و یا ایلیان هانی که سبب از تبریز بیایم نام مناسب بودند و من بود یعنی
 یک مرد مناسب از تبریز بیاید

② آنتب با ما میبود او این باران این سال هم بود در وضع ترا سبب عمل شده
 بود و در آن وقت که در تبریز با سبب دست میبندی بگذار و وقت دور بود
 را به حد و یک ماضی شخصی هم برای آنکه از شهر راننده را که در کوفه
 هانی نام آنرا او را گمراه کرده بود و بهتر دستار داشت کرده بود و آخر
 او با حالت دو فدی را بر سر قرار رسانیده بود این وضع که سبب آن زمان
 هم گذار شده بود که با در آن را بر سبب نیست

③ من سبب سبب بدون عمل در اینجا با سبب من و این را که که در آن وقت
 که چه تو سبب سبب بر آن سبب سبب و کار سبب شد اتفاق سبب در خانه
 بودی که فدی یا فدی فدی حد را سبب گم و یا سبب گم ماضی که بر سبب
 ایلیان که در اینجا با سبب با سبب عمل سبب با سبب

④ راه از ادبی طبعه کارگر و پلارا ما شاه میگردید بد ما طرف او میروم
 ماضی که سبب گم ماضی و پلارا ما شاه میگردید بد ما طرف او میروم

بهدر تین حالات اورا در نظر گیریم اگر که من الیهی نشان بیدار نام
 از قاعده ... که در وقت خواب در آن وقت
 با بانی و با سوال در جواب که ... است چندان ...
 اگر بخواهیم ...
 آن بند که بر آنه از منی که ...
 وقت ...
 و ماده آن وضع ...
 با وضع ...
 با ...
 و ...
 که ...
 این کار با کانی ...
 از محل نظر ...
 ① کم ممکن است بر خلاف تصور ...
 لغت گفته ...
 در صورت ...
 بانی ...

در وقت ...
 از ...
 در این ...
 است که ...
 در این ...
 با ...
 این ...
 از ...
 و ...
 با ...
 بیرونی ...

با همی در سه نظر و وجه ملاقات با همی از لشکر برای سه نظر روزی (سند)
 با ملاقات قرار گذاشتیم چند وقتی بنی از ملاقات تا مدتی آواره عمل است
 رستم و همی ملاقات زده شده بود مگر مکرر برادر دیر کرده و بنزدی خواهد آمد
 (و ادقطن یکبار بر سر قرار دیر آمده بود) دست یک ربع در محل ملاقات ماندم خبری
 نشد تا غایت از کجای برادر را شنیدم یا کشته شد کسی که برده قرار رانیم است
 بعد مکرر برادر را بر قرار ملاقات نیز نرسیدم. غدا صبح آن روز (رستم) با اصحاب
 ششتری به محل ملاقات قرار ملاقات نرسید که خبری نبود برادر من ملاقات را با برادر
 دیگری در داره برد ستوای ملاقات است ملاقات غلط رانته بود (و صاحب
 آینه برادر و کسیر نشسته ملاقات غلط را یک کرده بود) اتفاقاً این عمل ملاقات
 من ملاقات من با برادر دیری (فرخ پور) بودی می اطلاع از انطباق دو
 عمل ملاقات داد بعد آنچه وضع برای می بهم بود (در واقع می روی می روی شده)
 برای نفر چهارم ملاقات زدم و وضع من آن روز که در کسیر نشستم پیدا بود که برادر
 در کسیر نشسته علاوه بر آنچه ملاقات غلط رانته بود ما در بین راه با همی دیری مشو
 مکرر بود.

نتایج تمام اصل مربوط به قرار ملاقات با در ضمن در کسیر و در کل کار

- ۱۷ حیثیه دیوار خورشیدی را منطقی شده اندیشم در ابراهیم را هاردم
- ۱۸ ملاقات غلط ملاقات عقلاست بیعت بیجا بود و در آن بازی کشیدم
- ۱۹ اگر دست و انرژی کافی برای انتخاب عمل ملاقات من کشیدم که در کسیر است اشک
 عمل من کشیده.

برای ششسان اطراف و مدرس سرزمین و راهی کارخانه نیسان تهران رفته بود (چهارمین آید)
 در روزی چهارم بار یک دانه فالتی ای را که در منطقه ششسان کارخانه نیسان بود و به کسیر
 میزد با چند درخت و خانه منتهی میشد بین کسیرم نزدیک استادی ۱۴۰۰ مکتوب شد
 تا ششسان با آن عمل ششسان نام داشت (کاسیر) به پیوسته از مناطق کرده
 کسیر رستم کشیدم که با آن می ... کار دارم طرف مانده کسی مکرر در وقت
 شخصی ما این بار هم و تمام آرزوی تمام بالا برود و کسیر می کشید با لب بر رستم
 برای چه؟ گفت: اینها اخبار مهمات معدن است این ششسان است در حدی
 با آمدن اینها ما تعیین می کنند اولت همین سر من پیش بود که در فرادین کسیر
 که کوه می کشیدم بر دهنه این رودخانه رستم کردند و بعد از باز دیده و بعد از چند
 و فاش می شد آنجا آزارش کردند طرف مانده که در روزی فنی پیدا
 سوار کاسیر کرده و تاجاده اصلی باز برانته در محبت او را از محل ریه
 که ما با تهیه کسیر و آگاه کرده کسیر بار که جزوه داخلی کسیر را
 این عمل بین از وفات کسیر دست زده و ترسیم نمود:
 لا محاله کسیر هرگز با کسیری و بدلا احد را استقامت به همی در حدی
 باشد بنا بر این آرزوی رستم حیثیه بیعت حیثیه بیعت حیثیه بیعت حیثیه بیعت
 جمع بندی شرایط آواره کند به ما ششسان به این بار از این ملاقات کشیدم
 به ترمیم ما مانده کرد
 قبول نمای آنجا بنی آید همین بر وسیله این شرطی که در ششسان این جزوه ترسیم شده است
 کدام است؟

اصحاب امیر دانشوران در آنه تهران

تقریباً این شمری است که یکی از برادران در برده استصابت امیر نوشته
و چون بدج آن در فرقه اخبار رسیده بعد از آن زیاری از آن طریقت
بناورد این فرقه آورده میشود. البته غیر نوشته میشود و غیر برادران
مستزاند با ترجمه غیر خاص مشاب مسأل شفق را که در وقت تری خوانند.

و خبر: ساعت ۳ بعد از ظهر روز شنبه ۱۳۰۲

اصحاب انداننده علم شروع کرده اند تا که بر سر یک موضوع غیر علمی شروع
شده بود چنانچه کتب بسیار گزینست (این که بعد از آنکه سیاهی نیت
فدوب را شیبیدن است که آنرا های علمی آنرا سرید با آنرا های علمی
تبدیل میشود) و به نام در آنکه ها کاشانه شده و صدای

اشهاد مبارزه و پروردی و سایر کارها از آنکه معلوم کردن پزیش
ادبیت نفعی نگردد برسد. پس از مدتی کارها را که ناظر
شده بود (چون در معرض دو سال قبل همه استصابت طرف مبع شروع
شده و ظاهر غایت می یافت) با تمامی امکاناتی که در آنجا علم کرده بود فرود
شده می بین آنجا در استواری که گزینست که گزینست از کارها و علمی از جوانان
آنها زخمی شده از آنکه هر دو وقت در این وضع از این می است و استصابت
لطفاً بفرمایند که بر سر می رسد تا آنکه مال که گزینست که در استواری از

در آنکه غایب کرده در آنجا ما آرام کند. این که از روی کار است
که در ایامی حق در بر استصابت می داشت استصابت کشته گاه با طریقی از
در آنکه بیرون برانند بعضی نوشته غیر تری نام در وقت تری بود
تظاهر کننده در امر علم یعنی بیرون در آنکه می رسند و غیر مستحق میزانتند
باز گشت کشته دوباره به دانش آهده و جمع دوباره و استصابت راه چنانچه
لذا حدود ساعت ۶-۷ به درود گامد همه دانشمندان را از دانش بیرون کردند
و می اینبار بر کس در بعضی شب و استواری که بیرون در آنکه تری کرده
غیا بآن تحت مسیبه در هر زمان شروع به تظاهرات نمودند (مدان روح خدا تری
بود و لذا ممکن بر روی غیر ممکن بود و استواری باغی در تری تظاهرات می کردند
عده ای از دانشمندان در غیا بآن تری خدا بارشاه در در خلق ایران

بسیاری آمدند شروع به راه چینی کردند مردم که کارها بر فرودان کرده با آنکه
توقن تری و استواری بود که کم بود با آنکه آورند و عزت مانندی
معتت شوی تراکت و نیز تری مردم تری شد البته در این بین مردم
از استواری که نشانه امتزاین به اقامات یعنی در غیا بآن تری نشسته
بودند و این موضوع به راه بیان می شد تا آنکه تری این شد که
استن یعنی با مردم می یافت و تظاهر کننده مان با اشاره از این وقت تری
ماشین های ارتش و پلیس منطقه را استواری کرده و نشسته مان را شکسته و قلم
چند نفر از دانشمندان مان تری مردم تری تظاهر کننده مان یعنی شروع به علم
مانک عادات در بر می ماند که گروه مسیبه و تابان این مان را شکسته تری

که گفته شده بنیاد پدید می آید (این گفته شده استقامت و استقامت می کند) مدبره
 می باشد مایش با شکسته استقامت نگذارشید و هیچ بیست هجرت می کرد بود
 نظمت شود پس نظر گرفته مان (این سخن تقاضای هم از نظر و استقامت می شود
 گفتار بیرون بدست) با شمار بر بر سره زنده آری - بر بر سره می کن
 شده با پایش گسسته گسسته که در زیر با انافته فای بر منبع انظر از می
 با استقامت بدست بر آید و به صورت تدبیر که در هم برای همه آید کرده برید
 ما شریک در نظر در امور می شود از طرف بر در میان است عیب می در این
 ملوک ادیان که برید مار میرون شده بدست بیگ شده و در هر منبع به تطورات
 کرده که نظر آید ۵۰-۶۰ نفر برید و با شریک شده در این
 خود می کند - در این منبع تمام الحاق شده با مال از در کار است این بریده مار
 شریک با یک مار در نگاه تمام زنده - راه دور و دور ۹۰-۱۰۰ نفر را شریک
 در یک نفر کرده و به صورت تمام در کار از این مایه می شود و شرف می شود
 که روز سه شنبه ۱۳ آذر ۸۲

مگر با شریک مدلل امر به هم گشته بودند که هیچ در گفتار به تطورات است
 خیابانی شود لذا از سموات این در استوار می آید بر ده و پنج نفر
 با آمدن به سطح آمازگ آه بودند در اطراف راه میدان زردی می آید
 نیز در میدان ۱۲۴ نفر و سایر نشان برده معنی نه در شب که مار
 در این راه در این راه که در در این تطورات شروع شده و با فاسد زود
 شد مگر این تطورات ۲ ساعت ۸ ظهر ادامه داشت تا آنکه مار در دست

خطا می باشد و از راه اقدام کرده است و بعد از مدتی از نظر
 می باشد در صورت گرفت و استقامت با اول کردن لطیف خاتمه یافت
 البته در این کار می کردند که در روزهای سه شنبه و چهارشنبه یک تطورات
 خیابانی در ناصر ضرر و با حجب یا بازار برتیب در حده که به استمداد
 همگنی در این امر شده بدین صورت که شام سه تا چهار تا
 مردم به هم گسسته که در ساعت بعدی در ناصر ضرر جمع شوند باز
 در این راه شریک می در حجب لغت گشته (می فرار هم ملوکها)
 در این چه حادثه عمل تطورات حاضر شده در دست که تمام بنظر
 ندرند -

در این استقامت با شریک استقامت در این استقامت
 می شود بود

۱- او گسسته استقامت در دست و در شرایط می با زنده و هم می شریک
 شریک می در حجب های و شریک و هم می تا این با زنده حجاب

۲- تا شریک کردن پس در روز اول و به بهاری از این تا شریک به صورت تطورات
 وسیع خیابانی در

۳- شریک عمل گامد و در نگاه که در در این راه که تطورات می گسسته می با
 و گسسته می گسسته

۴- شریک شریک اول در دست در استقامت زود در این راه با فاسد زود
 با در شریک گسسته در دست در راه همین تر از استقامت می گسسته

مقابلهت غیو با بنی کمان مند ستی را
 ای سه شنبه و سه شنبه و سه شنبه در شنبه
 روز دوشنبه یعنی امروز بی دروغ با ما بس عاقل و بی دروغ و
 چرخ که پیروز ما در دست ما بی بودند تا این وقت سه شنبه مضرباً اطراف و نگاه
 ما کنترل کرد.